معماري مساجد و ابنيه در عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله(

اصغر قائدان

چکيده

سخن از معماري عصر حضرت رسول (صلّي الله عليه وآله) ، به سبب کمي منابع و اطلاعات، کار چندان ساده‌اي نيست. آنچه روشن‌است اين‌که فن ساختن بنا در آن دوران، تا حدّي ساده و به دور از هرگونه ظرائف خاصِ هنري و ملهم از معماري عصر جاهليت است. معماري در ميان عرب عصر جاهلي، چندان داراي پيچيدگي و مهندسي خاصي نبوده، بلکه عمدتاً از معيشت صحرايي و بدوي آنان و طبيعت خشک و خشن، الهام گرفته است. مسألة امنيت و حفاظت از توفان‌هاي شن و باران‌هاي سيل‌آسا، دو مقولة مهم و مورد توجه از نوع معماري آن دوران بوده است. عربِ عصر جاهليت را به دو دستة «اهل مدَر» و «اهل وَبَر» تقسيم کرده‌اند.

مَدَر به معناي گِل است؛ زيرا آنان خانه‌هاي خود را از گِِل و خشت مي‌ساختند.

و وَبَر به معناي پوست است؛ زيرا صحرانشينان خيمه‌ها و محل سکونت خود را ازآن مي‌بافتند.

از هنگامي‌که عرب بدوي به شهر نشيني و سکونت درشهر روآورد، تحوّلي در معماري پديدآمد. مدينه يا يثرب، که از شهرهاي مهم عرب محسوب مي‌شد، به سبب هجرت پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله) و پذيرش دين جديد از سوي مردم آن شهر، تحوّلات قابل توجهي در معماري آن پديد آمد. ساخت مسجد و عبادتگاه، به‌ويژه مساجد مهمي چون قبا و مسجد النبي، که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) خود در کار ساختن آن‌ها نقش داشتند و هم‌چنين ساختن خانه‌هايي به وسيلة مهاجران و علاوه بر آن، ساختن قلعه‌هايي به دست يهوديان در مدينه و منطقة خيبر، که از استحکام بسيار عالي برخوردار بود، از جلوه‌هاي مهم تکاملي در اين عرصه است.

در اين پژوهش و تحقيق، بر آنيم‌ تا معماري عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) را در دو محورِ «بناي مسجد» و نيز «ساخت ابنيه» (شامل خانه‌ها و اطم‌ها ) تشريح و با شيوه‌ها، مصالح، مهندسي، ابزارها و در مجموع هنرِ ساخت آن‌ها آشنا شويم.

120

مقدمه

«کذب أصحاب الحجر المرسلين آتيناهم آياتنا فکانوا عنها معرضين وکانو ا تيحيتون من الجبال بيوتاً آمنين».

«و همانا مردمِ حِجر (ثمود و قوم صالح) فرستادگان خداوند را دروغگو شمردند. نشانه‌هاي خود را به آنان داديم. پس، از آنها روي‌گردانيدند، آنان، ازکوه‌ها، خانه‌ها مي‌تراشيدند، در حالي که ايمن و آسوده بودند]»( 1 )

اين آية شريفه، اشاره به نوعي خاص از معماري عرب در عصر قبل از اسلام دارد، که امروزه شهر پترا در اردن مصداق آن تشخيص داده شده است؛ زيرا در آنجا اقوام ثمود و صالح مي‌زيستند . اين شهر به‌طور کامل در دل صخره‌ها و کوه‌ها ايجاد شده است. قصر، معابد، گورها، خانه‌ها و حتي ورزشگاه شهر در داخل کوه‌ها و صخره‌ها تراشيده شده‌اند و امنيت بسيار بالايي دارند. اين تمدّن در تاريخ عرب، به تمدّن صخره‌اي يا عربستان صخره‌اي معروف است. اين نوعي از معماري در شمال غربي عربستان قديم (شبه جزيره) است.

براين اساس، بخشي از ساکنان شبه جزيره و اعراب اين منطقه، داراي چنين ويژگي و نوع خاص از معماري بوده‌اند. البته آنان بر اثر عذاب الهي از ميان رفته‌اند اما آثارشان امروزه در شهر ياد شده مورد بازديد سيّاحان است.

معيشت بخش ديگري از مردم عربستان، در صحراها و باديه‌‌ها بوده است و به همين علت، آنان در کتيبه‌هاي عبري، «عربه» به معناي باديه نشين يا صحرانشين و به عبارتي، بدوي ناميده شده‌اند. صحراهاي سوزان، لم يزرع و خشکي که مساحت يکي از آن‌ها پانصد هزار کيلومتر مربع (الربع الخالي) و حدود يک پنجم عربستان است و نيز بيابان‌هايي که شرق، غرب، شمال و جنوب عربستان را از

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . حجر: 80.

121

يکديگرجداساخته است. براساس وضعيت اقليمي و توپوگرافيِ، نوعي سکونت و معيشت را بر اين مردم رقم زده است که با جابه‌جايي و نقل و انتقال و عدم ثبات بر روي زمين همراه است.

جايي‌که ثبات نباشد، شهري پديد نمي‌آيد و وقتي شهري نباشد، تمدّن، معماري و آباداني پديد نمي‌آيد. بنابراين، اقليم و آب و هوا در پيدايي معماري و حتي نوع آن، تأثير گذار است. اعراب اهل مَدَر؛ همان کساني بودند که زندگي ثابتي داشتند و يکجا نشين بودند. آنان خانه‌هاي خود را از مَدَر؛ يعني گِل مي‌ساختند. لذا شهر پديد آوردند و خانه‌ها ساختند.

اما دستة ديگر، اعرابِ اهل وَبَر هستند که خانه‌هاي خود را از خيمه‌هاي بافته شده از پوست (وَبَر ) بر پا مي‌کردند. خانه‌هاي آنان بايد آنچنان سبک باشد که هرگاه بخواهند آن را از زمين برکنند و با خود ببرند و در جاي ديگري برپا سازند. خيمه‌ها معمولاً با چند شاخه درخت خرما استوار مي‌گشت . اينجا جاي خفتن و استراحت بدوي از گرماي شديد آفتاب و توفان بادهاي موسمي و باران‌هاي پراکنده و نيز سرما بود. اثاث خانة عرب بدوي، مشک آبي بود و ظرفي براي گرم کردن، خوردنيِ مختصري و نيز شتري بارکش و شايد هم گوسفندي.

درگيري بر سر آب و چراگاه، از رخدادهاي روزمرة زندگي آنان بود. بديهي است اين نوع زندگي که يراساس وضعيت اقليمي به آنان تحميل شده است، آنان را با شهر و شهرنشيني بيگانه مي‌سازد، مگر آن‌که حادثه‌اي خاص رخ دهد؛ مانند وضعيتي‌که در سده پنجم ميلادي رخ داد و در زندگي مردم اين مناطق دگرگونيِ محسوس پديدآمد. تغيير مسير جادة کاروان‌رو، موجب پيدايش شهرها وشهرک‌هاي تازه گرديد و پيدا شدن اين شهرها، بيابان نشينان را به خود جذب کرد. ازآن هنگام زندگي اجتماعي عرب تا ظهور اسلام در دو بخش صحرانشين و شهر نشين تداوم يافت. شهر نشينان جديد، با الهام از طبيعت پيراموني خويش در صحرا، به‌ساختن خانه‌هايي از گِل و خشت و چوب و نخل پرداختند. خانه‌هايي که بتواند آنان را از گرماي سوزان، باران‌هاي سيل‌آسا و نيز سرما حفظ کند و بر اين اساس نوعي از

122

تکامل در زندگي اجتماعي عرب صحرا نشين، که اکنون شهرنشين شده بودند، پديدار شد که مهمترين جلوة آن، در معماري و شهرسازي بود. اين وضعيت تا زمان ظهور اسلام استمرار داشت . دوراني‌که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) مبعوث شد، ازچنين ويژگي‌هايي برخوردار بود. اما آن حضرت، با هجرت به شهر مدينه، تحوّلي بس عظيم در معماري عرب پديد آورد و آن، گره زدنِ اين نوع از معماري با مذهب بود؛ چيزي که تا آن زمان پيشينه نداشت، يعني ساختن بناي که به نام او و مسجدالنبي (صلّي الله عليه وآله) اشتهار يافت. اين بناي مذهبي و مقدس، که پيرامون آن خانه‌هاي زيادي ساخته شد و مانند نگين انگشتري در مرکزيت شهر قرار گرفت، نخستين تجربة اعراب در زمينة معماري در عصر اسلامي بود و بدين وسيله مسلمانان را با ميراث معماري قبل از اسلام پيوند مي زد.

معماري در عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله)

پرداختن به‌معماري عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) و دوران حيات ايشان، کاري است دشوار؛ از يک سو، سادگي معيشت مسلمانان و محل سکونت ونيز شهر نشيني‌آنان، و درحقيقت بومي بودن معماري وعدم اقتباس والگوگيري ازمعماري‌هاي سرزمين‌هاي متمدّني چون روم، ايران و مصر و از سوي ديگر، سکوت منابع عمدة تاريخي و معماريِ پيرامون اين مباحث و نيز برجا نماندن آثاري از آن دوران، پژوهش و تحقيق در اين زمينه را با دشواري‌هاي زيادي مواجه مي‌سازد. رشد چشمگير معماري و هنر در سده‌هاي پس از رحلت حضرت رسول (صلّي الله عليه وآله) ، که بيشتر به يک معجزه شبيه بود و آثار باشکوه آن در اقصي نقاط سرزمين‌هاي تحت سلطة مسلمين؛ از هند تا ايران، آسياي صغير، شامات، آفريقا و مصر و نيز اندلس که در مساجد، ابنيه‌ها، کاخ‌ها، قصرها، خانه‌ها، کاروانسراها و رباطه‌ها و ... محققان و پژوهشگران عرصة هنر و معماري را مجذوب خود ساخته و آن را محور اصلي کار ايشان قرار داده است. لذا نسبت به بحث پيرامون معماري عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) آنان را غافل ساخته است. با اين وجود در آثار تاريخي و متون جفرافيايي و حديثي، مي‌توان تا حدودي وضعيت

123

روشني از معماري آن عصر به دست داد. ما بحث معماري در آن دوران را بر محور مسجد، خانه ، اطم و قلعه ها دنبال مي کنيم:

الف ـ مسجد

مسجد و به تعبير ديگر عبادتگاه مسلمانان، تحوّلي عظيم در معماري ايجاد کرد. مسلمانان همواره کوشيدند تا اين مکان مهم عبادي و سياسي را ـ که محلّ اجتماع و تصميم سازي‌هاي سياسي و اجتماعي نيز بوده است‌ـ به بهترين وجه استوار سازند. آن را تزيين کنند و بيشترين ظرافت‌هاي هنري را در آن به‌کار ببرند. براين اساس، مسجد داراي جايگاه ويژه‌اي در معماري اسلامي است. نخستين مسجد در اسلام، که به دست پيامبرخدا (صلّي الله عليه وآله) برپا شد، به عنوان کانوني فروزان در مدينه يا يثرب، دل‌ها را تا عصر حاضر متوجه خود ساخت. اين مسجدکه به صورتي بسيار ساده ساخته شده بود، چون نگين انگشتري، در ميان شهر مي‌درخشيد؛ به‌ويژه اين‌که خانة پيامبر (صلّي الله عليه وآله) درکنار مسجد ونيز خانه‌هاي صحابه درپيرامون‌آن، شکل وماهيت مدينه را دگرگون کرد. اهميت بر پايي مسجد تا آنجاست که در قرآن کريم، عمارت کنندگان آن ستوده شده اند و حضرت رسول (صلّي الله عليه وآله) نيز بلافاصله پس از مهاجرت به مدينه، به بزرگترين و مهمترين کار؛ يعني ساخت و بر پايي مسجد دست زد. اين امر اهميت و ضرورت چنين اقدامي را روشن‌تر مي‌سازد و نخستين کار رسول الله (صلّي الله عليه وآله) پس از ورود به قبا، ساختن مسجد قبا و پس از ورود به يثرب ساختن مسجد النبي (صلّي الله عليه وآله) بود. جايي‌که در همان آغاز تأسيس، تبديل به مرکز فرمان جامعه در حال رشد مسلمانان گرديد. اين مکان غير از عبادت، کارکردهاي متنوعي چون محل شورا، قضاوت، تقسيم بيت المال، مداوا کردن مجروحان جنگ، ملاقات با گروه‌ها و وفود، عقد پيمان‌هاي سياسي و اقتصادي نيز داشت و به عبارتي دارالحکومة مسلمانان بود. «مساجد بعدها به لحاظ نظري وفاداري به اين هر دو جنبه را حفظ کردند و فقدان نهادهاي رسمي در دنياي‌اسلام، با فقدان متقابل بناهاي رسمي عمومي؛ نظير تالار شهر و يا محاکم، به نقش دوگانة مسجد اهميت بيشتري بخشيد. بدين ترتيب طي فراگردي طبيعي به مرکز جامعه، اعتقادي جديد گرديد»( 1 ).

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . هيلن برند، معماري اسلامي 41.

124

در اين مسجد مقدمات تشکيل امت واحد، براساس انعقاد پيمان‌نامة وطني يا مدني، که تشکيل جامعة مدني رسول الله (صلّي الله عليه وآله) را نويد مي‌داد، فراهم شد؛ امت واحدي که آن حضرت در مدينه شکل داد، شهري بر همان مبنا نيز ايجاد کرد؛ شهري ايده‌آل‌که مسجد نسبتاً سادة آن، در مرکز شهر، همة نگاه‌ها را به‌خود معطوف مي‌ساخت و مردم را به‌هنگام نماز به سوي خود فرا مي‌خواند. اين نقطة ثقل و دايرة شهر اسلامي است. «اين فضا، فضاي عرصه و نمايشي است که جنبة مذهبي و همچنين اجتماعي دارد. امت، اجتماعي است که برخي از افراد آن، آداب و روش زندگي را مشترکاً رعايت مي‌کنند، به سوي قبلة واحد روي مي‌گردانند. تصوّر ذهني امت در جامعة اسلامي ايده‌اي ارگانيک دارد که در قرآن به صورت بنيان مرصوص مطرح شده است. کلمة بنيان؛ يعني بنا و کلمة مرصوص به معناي ساختماني است که با رصاص سفيد (قلع) و رصاص سياه (سرب) محکم کاري شده؛ به‌طوري‌که در مقابل عوامل انهدام مقاوم شده است ».( 1 )

مسجد، مکاني است که پيروان دين، درصف‌هاي طويل (در عرض) مي‌ايستند و نگاه خود را به سوي قبله معطوف مي‌دارند، مسجد مانندکليسا يک سالن اجتماع است، با اين تفاوت که اين سالن، محور بزرگ آن در عرض جهت‌يابي شده است. اين سالن به‌جاي آن‌که در عمق يا طول توسعه يابد، در عرض گسترش مي يابد و اين حالت جدا از اختلاف سبک‌ها، حالتي به مجموعه مي‌دهد که آن را از بناهاي مسيحي متمايز مي‌سازد.( 2 ) براين اساس است که عرض مسجدالنبي (صلّي الله عليه وآله) بيشتر از طول آن است؛ 60 ذرع (طول)، 70 ذرع (عرض) و همين‌طور مسجد قبا و ساير مساجد عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) .

مسجد النبي (صلّي الله عليه وآله)

به تعبير قرآني، مسجد النبي، نخستين مسجد در اسلام است که به دست پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله) بنا گرديد؛ {لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَي التَّقْوي‏ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فيهِ...}.( 3 )

پيامبرخدا (صلّي الله عليه وآله) در نخستين روز ورود به مدينه يا يثرب، به ساختن مسجدي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بورکهارت، شهر اسلامي، 12.

2 . آگوست شوازي، 175

3 . توبه / 108

125

پرداخت که نخستين تجربه جمعي اعراب در معماري بود. صحابه؛ اعم از مهاجر و انصار و حتي شخص پيامبر (صلّي الله عليه وآله) و نيز زنان در ساختن آن دخيل و سهيم بودند. چون اين مکان براي همه بنا مي‌شد، بايد در ساختن آن نيز همه شريک مي شدند.( 1 ) پيامبر (صلّي الله عليه وآله) در حقيقت طراح مسجد و به عبارتي ناظر و همکار در معماري آن محسوب مي‌شوند؛ زيرا ايشان با دستان مبارک خود، خطي بر روي زمين به صورت مستطيل کشيدند و حد مسجد را تعيين کردند. با يک نيزه ويک خط، به تقسيم زمين به مکاني براي زيستن (خانه‌اش در کنار مسجد) و فضايي براي نيايش؛ به تعبيري، زندگي مادي و معنوي را با هم توأم ساخت و دين و دنيا را با هم مرتبط کرد و مرکزيتي مقدس براي برپايي و شکل‌گيري شهري اسلامي و مذهبي فراهم ساخت.

در زمين انتخاب شده براي مسجد، چندين قبر از مشرکان قرار داشت که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) دستور داد آن‌ها را نبش‌کردند و نيز کمي پستي وبلندي داشت‌که آن‌را هموار نمودند و نيز نخلي داخل آن بود که قطع کردند و آن را آمادة ساختن ديوارها کردند. طول مسجد هفتاد ذرع (35 متر) و عرض آن شصت ذرع(30 متر) که مساحت آن 4200 ذراع برابر با 1025 متر مربع مي‌شد . پايه‌ها و پي ديوارها را از سنگ قرار دادند و ديوارها را از لَبِن (خشت خام ) غير قابل احتراق (آجرِ نسوز ) برپا ساختند . پيِ ‌ديوارهاي مسجد به عمق سه ذراع (حدود 1/5 متر ) با سنگ پر شد و ديوار نيز با پهناي 75 سانتيمتر بنا گرديد.( 2 )

د رانجام اين کارها، رسول الله (صلّي الله عليه وآله) نيز همراه مهاجران و انصار به ساختن مسجد مي‌پرداختند و خشت و سنگ را منتقل و تا کنار ديوارها مي‌آوردند. در اين حال بود که صحابه اشعاري را زمزمه مي‌کردند.( 3 )

سقف مسجد و ستون‌ها

ديوارهاي مسجد تا 5 ذراع (2 متر ) بالا رفت. صحابه اموالي را گرد آوردند و آن را به پيامبر (صلّي الله عليه وآله) تقدم کردند که با آن مسجد را تزيين و مسقّف کنند و از آن

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ابن سعد، الطبقات الکبري 1/ 239

2 . صالح لمعي مصطفي، المسجدالنبي، ص،200

3 . ابن هشام، السيرة النبوية 1/496؛ ابن قيم جوزي، زادالمعاد في هدي خير العباد 2/144

126

حضرت پرسيدند: آيا آن را مسقف کنيم؟ فرمودند: «مابي رغبة عن أخي موسي، عريش کعريش موسي»( 1 ) و به عبارتي ديگر « ابْنُوا لِي عَرِيشاً كَعَرِيشِ مُوسَي، ثمامات و خشبات و ظله کظلة موسي أو الأمر العجل من ذلک » پرسيدند: «و ماظلّة موسي» قال : «کان إذا أقام أصاب رأسه سقف».( 2 )

يعني «من ميل دارم مانند برادرم موسي، سايه‌باني داشته باشم» عريش، سايه‌بان را گويند. اعراب آن‌را از چوب ثمام که نوعي‌گياه معروف در باديه بوده، مي‌ساختند و به آن «مظال» مي‌گفتندکه به معناي سايه‌بان است. اين سخن پيامبر (صلّي الله عليه وآله) يکي حکايت از سادگي بنا دارد و ديگر آن‌که به کار نبردن آجر و خشت در سقف و استفاده از برگ‌ها و شاخ‌هاي نخل خرما مي‌تواند نور لازم را براي فضا فراهم سازد و آن را روشن‌گرداند و علاوه بر آن، به سبب وجود بادهايي‌که معمولاً در اين اقليم مي‌وزد هواي مطبوع را داخل فضا به جريان در آورد و باعث خنکي محلً اقامة نماز گردد.

ابن‌رسته اشاره مي‌کند که اين سقف با خاک رُس اندود نشده بود، به هنگام ريزش باران، مسجد پر از گِل مي‌شد.( 3 ) بر اين اساس لازم بود ستون‌هايي تعبيه و استوار سازند تا بر فراز آن ستون‌ها سايه‌بان يا به عبارتي سقف را قرار دهند. بديهي است، اين ستون‌ها جز تنة درختان خرما و به عبارتي ستون چوبي مدوّر، چيز ديگري نخواهد بود؛ مصالحي که در مدينه و عربستان فراوان است. وجود نخلستان‌هاي انبوه در مدينه ودستيابي به تنة درختان خرما و برگ‌هاي نخل، معماري اين‌شهر و سرزمين خشک وصحرايي‌که داراي تابستان‌هاي طولاني وگرم وبادهاي سوزان و زمستان‌هاي کوتاه را شکلي ديگر بخشيده است.

بديهي است کاربرد چوب و تنه‌هاي درختان، به سبب گرميِ هوا، برخلاف مناطق سردسير و رطوبت‌زا، مصالح مناسبي محسوب مي‌شوند که مناسب اين توپوگرافي و وضعيت اقليمي خاص هستند و درحقيقت دچار انبساط و انجماد نمي‌شوند. اين همان تأثير آب و هوا در معماري است که در عصر حاضر بدان توجّه ويژه‌ وجود دارد. اسکلت بندي از تنة درخت، با برپا کردن چندين تنه و پوشاندن

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . بيهقي، دلائل النبوة 2/542

2 . خالد عمر خالد، المعالم المسجد النبوي الشريف به نقل از ديلمي، الفردوس الشيروديه ديلمي، 4136

3 . پاپادوپولو، معماري اسلامي،(10)

127

روي آن با برگ‌هاي نخل براي سقف مسجدالنبي، حلقة ارتباطي معماري عصر اسلامي و عصر جاهليت عرب است که اعراب مناطق صحرانشين از ديرباز به اين نوع راه حل، براي زدن سقف، البته در سطوح کم عرض، روي مي‌آوردند.( 1 )

حدود يازده ستون در فضاي مورد نظر بر افراشته شد و روي آن، از برگ‌هاي نخل‌که به يکديگر بافته شده و با شاخه‌هاي محکم به صورت کلاف بر روي سطح تنه‌ها قرار مي‌گرفت پوشيده شد. يا به عبارت صالح لمعي، پل‌هايي از چوب بر روي تنة نخل‌ها استوار و روي آن با برگ نخل پوشيده شد که حدود 2 متر ارتفاع سقف را تشکيل مي‌داد.( 2 ) تعدادي از اين يازده ستون، پس از چندي، يادآور خاطره‌هاي مهمي از دوران پيامبر (صلّي الله عليه وآله) گرديد و هر يک نامي به خود گرفت که اکنون پس از 14 قرن، آن ستون‌ها، البته با بازسازي‌هايي استوار و نام‌هاي آن‌ها بر فرازشان يادآور حوادث تاريخيِ عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) هستند؛ مانند ستون توبه. البته برخي کارکردهايي هم داشتند، مانند ستون «مخلقه» که عطر و خلوق بر آن مي‌آويختند تا فضاي دروني مسجد را خوشبو سازند و نيز ستون «وفود» که محل ديدارهاي پيامبر با قبايل بود؛ نوعي محلّ بار عام. همچنين ستون «محرس» که محلّ نگهباني از رسول الله (صلّي الله عليه وآله) بوده است.( 3 )

اين ستون‌ها سقف سمت مصلاّ و قبله را پوشش مي‌داد و بقيه به صورت صحن و بدون سقف ماند.( 4 )

و اما تعداد ستون‌هايي که سقف مسجد بر روي آن استوار گشت:

1. ستون‌هاي ميان منبر و محلّ اقامت پيامبر (صلّي الله عليه وآله) (روضةالنبي (صلّي الله عليه وآله) )؛ در طول، 6 ستون قرار داشته که امروزه با سنگ‌هاي سبز و سفيد مجزّا و مشخّص شده‌اند و در عرض، 22ستون که البته بر اساس نظر شيعه در داخل روضه قرار دارند.

2. ستون‌هاي حدّ اولية مسجد؛ دو صف از ستون‌هاي غرب و دو صف از ستون‌هاي شمال، پس از روضة شريفه، حدّ اولية مسجد را نشان مي‌دهندکه در زمان رسول الله (صلّي الله عليه وآله) مسقف بوده است. اين مکان اولية مسجد، تا قبل ازتوسعه‌ توسط پيامبر بعد از غزوة خيبر است.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . اگوست شوازي، تاريخ معماري، 155

2 . همان، 200

3 . سمهودي، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفي، 1/440 و 450

4 . ابن نجار، اخبار مدينه الرسول 169

128

3. ستون‌هاي پس از توسعه، در زمان پيامبر (صلّي الله عليه وآله) ؛ دو صف از ستون‌ها در غرب و چهار صف در سمت شمال را دربر مي‌گيرد.

4. ستون‌هاي حدّ غربي مسجد پس از توسعه در عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) ؛ درغرب مسجد، يازده ستون در يک صف، حدّ مسجد پس از توسعة خيبر را شکل مي‌دهند.

5 . ستون‌هاي حد شمالي مسجد پس از توسعة عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) ؛ يک صف شامل ده ستون در شمال مسجد، در عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) که مسجد و صحن امروزي را ازهم جدا مي‌کند.( 1 )

اما اين ستون‌ها درآغاز، درسمت قبله قرار داشت؛ البته زماني‌که قبله به سمت بيت‌المقدس بود و زماني‌که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) قسمت ديوار شمالي را با دو رديف ستون مسقّف ساخت، در اين حال قبله به ديوار جنوبي تغيير يافت و سمت مسقف در دو ستون، در اين ديوار نيز برپا شد و درِ سمت جنوبي بسته و اينجا محلّ برگزاري نماز جماعت شد. ( 2 )

درهاي مسجد

پيامبر (صلّي الله عليه وآله) پس از پايان کار بناي ديوار وسقف، سه ورودي براي مسجد قرار دادند و سه درِ چوبي ساخته، روي پايه‌ها ي سنگي آن باب‌ها استوار کردند. اين سه در، هريک به نامي معروف شد:

1. باب جبرئيل (عليه السلام)

و آن، از درهاي مهم مسجد در عصر رسول الله (صلّي الله عليه وآله) بود که به نام‌هاي باب الجبر و باب الجنائز نيز معروف بود. اين در، بر ديوار شرقيِ مسجد (ميانة ديوار ) قرار داشت. بعدها در توسعة مسجد، در زمان رسول الله (صلّي الله عليه وآله) ؛ يعني پس از غزوة خيبر حدود چند متر به پايين‌تر، به سمت شمال منتقل شد. اين باب، هنوز هم البته کمي بيرون‌تر از مکان اصلي باقي مانده است.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . خالد محمد خالد، معالم المسجد النبوي الشريف، 35-40

2 . پاپادوپو، 11

129

2. باب الرحمه

اين در، بر ديوار شمال غربي مسجد قرار گرفت و اکنون با فاصلة بسيار، با جاي اصليِ خود به سمت غرب، همچنان پا برجاست.

3. باب عاتکه

اين در، بر ديوار جنوبي، مقابل خانة عاتکه، دختر عباس قرار داشت. در داخل مسجد، ابتدا محل نماز پيامبر به سمت بيت المقدس، در پايان حد مسجد، از سمت شمال بود؛ به‌گونه‌اي که ستون عايشه پشت ايشان و کمي به سمت شمال مايل مي‌شد تا به موضع ستون پنجم در موازات باب جبرئيل قرار مي‌گرفت و باب جبرئيل بر شانة راست ايشان واقع مي‌شد.( 1 ) پس از تغيير قبله، پيامبر (صلّي الله عليه وآله) در سمت ديوار جنوبي نماز گزاردند و درِ جنوبي را بستند.

کف مسجد

کفِ مسجدالنبي داراي پوششي ازسنگريزه‌هاي‌کوچک بود وچون نمازگزاران بايد بدون کفش وارد مسجد مي‌شدند، رسم پوشاندن کف مسجد معمول شد. پيامبر نيز خود گاهي به هنگام نماز از زيرانداز (حصير) استفاده مي‌کردند. ( 2 )

ابوسعيد خدري در روايتي گويد: در مسجد بر پيامبرخدا (صلّي الله عليه وآله) وارد شديم و پرسيديم: اي پيامبر خدا، کدام مسجد بر اساس تقوي بنا نهاده شد؟ پيامبر (صلّي الله عليه وآله) مشتي سنگ‌ريزه از کف مسجد برداشت و آن را بر زمين پاشيد و فرمود: «هذا مسجدي و مسجدکم»؛ يعني مسجد مدينه.( 3 )

4. ايوان صفه

در شمال مسجد نيز ايوان و سايه‌باني براي مهاجران فقير ساختند که به ايوان صُفّه معروف شد.گفته اند حدود هفتاد تن از مهاجران، که جايي براي سکونت نداشتند،( 4 ) بر روي آن زندگي مي‌کردند. اين ايوان در کنار ديوار شمالي ساخته شد و مسقّف گرديد. اين کار پس از تغيير قبله انجام شد که در دومين سال از هجرت بود. ايوان صفه، البته اندکي با تغيير مکان، همچنان موجود است.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الياس عبدالغني، تاريخ المسجد النبوي، 104

2 . هيلن برند، ص59

3 . مسلم، صحيح، 15/1398

4 . ابن حجر عسقلاني، فتح الباري بشرح صحيح البخاري 6/595

130

5 . منبر مسجدالنبي (صلّي الله عليه وآله)

منبر محل وعظ و خطابه و از مهم‌ترين آثار داخل يک مسجد و مکان مقدس و مذهبي است. منبر معمولاً در سمت راست محراب يا محل اقامة نماز قرار مي‌گيرد. نمونة مشابه منبر، در مراسم عبادي مسيحي، سکوي وعظ و خطابه است. آمبو (Ambo) کلمه‌اي که در کليساي اوايل قرون وسطي براي اشاره به سکوي خطابه دار کليساي بيزانس به عنوان نامي براي تخت استفاده مي‌شد. نزديکترين نوع سکوي خطابه، منبر بود. ( 1 )

پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله) هنگام خواندن خطبه در مسجد النبي (صلّي الله عليه وآله) به تنه درختي از خرما تکيه مي‌دادند و چون از حالت ايستاده، اظهار خستگي کردند، به روايتي، غلام عباس‌بن عبدالمطّلب و به روايتي ديگر زني از انصار براي ايشان پلکاني که داراي سه پله بود به صورت منبر ساخت و حضرت رسول (صلّي الله عليه وآله) در روز جمعه‌اي بر روي آن نشست و خطبه خواند.( 2 ) آن حضرت روي پلة سوم نشستند و پاهاي خود را بر روي پلة دوم گذاشتند. با گذشت ايام، منبر يکي از لوازم حتمي مساجد عمده شهرهاي بزرگ شدکه براي مسلمانان نشانه‌اي بود از حکومت الهي، به‌معناي تلفيق قدرت‌هاي سياسي، نظامي و مالي با دين و نه نشانگر جنبة مذهبي صرف.

منبر حضرت محمد (صلّي الله عليه وآله) نشانة کامل اين‌قدرت‌ها بود. يکي‌از نخستين شکل‌هاي نمادين اسلام را به وجود آورد و به مثابة يک شکل زيبا شناختي، تحوّلِ نسبتاً چشمگيري يافت.( 3 )

برخي نيز گفته‌اند: منبري که براي پيامبر (صلّي الله عليه وآله) ساخته شد، مرتفع و از گِل بود؛ يعني پله نداشت. برخي ديگر گفته اند: مانند کرسي يا صندلي بوده که از چوب گزساخته شده بود.

توسعة مسجد در زمان پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله)

در سال هفتم هجرت، پس از غزوة خيبر، به سبب گسترش جمعيت مسلمانان، پيامبر (صلّي الله عليه وآله) احساس کردند که مسجد گنجايش نمازگزاران را ندارد و بايد آن را

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . هيلن براند، ص46

2 . متقي الهندي، کنزالعمال في سنن و الاقوال 14/58؛ بخاري، صحيح، کتاب الصلوة، 302

3 . همان، 12

131

توسعه دهد، لذا ديوارهاي مسجد را تخريب و ابعاد آن را به 100 ذرع در 100 ذرع؛ يعني به صورت مربع 49\*49 متر در آوردند. در حالي که پيش از آن،ا مستطيل شکل بود. مربع يکي از شکل‌هاي هندسي است که نقشي بزرگ در معماري اسلامي داشته است و پيامبر (صلّي الله عليه وآله) در اين توسعه، مسجد را با نقشة مربع برگزيد که نمايانگر شکل بنيادين کعبه است. شکل مربع، غالباً در کهن‌ترين مساجد ديده شده است. از جمله مسجد کوفه و به مرور شيوة کاربرد مربع در معماري مساجد بسيار دقيق‌تر از نقشة ساده و کلي آن شد و به اين ترتيب، نخستين فرايند معماري که از عربستان و از خود پيامبر (صلّي الله عليه وآله) آغاز شد.( 1 ) مساحت توسعه يافته، به ده هزار ذراع؛ يعني برابر با 4900 متر مربع تقريباً بيش از سه برابر مساحت قبلي رسيد. ايشان ستون‌هايي را به ستون‌هاي پيشين افزودند که پيش‌تر اشاره شد. همچنين بر ارتفاع سقف مسجد افزودند و آن را از 75/1 متر به 5/3 مترمربع رسانيدند که هفت ذرع بود.( 2 ) اين توسعه سنتي شد براي خلفاي پس از ايشان، که مساحت مسجد را گسترش دادند.

نمازگاه ميّت

در سمت شرق مسجد النبي، که البته اکنون در داخل مسجد و در شرق حجره و مرقد رسول الله (صلّي الله عليه وآله) قرار يافته، مکاني براي نماز بر مردگان ساخته شد که به «مصلّي الجنائز» معروف گرديد. مؤمنان اموات خود را به اين مکان مي‌آوردند و پيامبر (صلّي الله عليه وآله) بر آنان نماز ميزاردند که اين رسم همچنان برقرار است و از آن‌جا ميت را به سوي بقيع، براي دفن مي‌برند. گفته‌اند در اين مکان، پيامبر (صلّي الله عليه وآله) يک مرد و زن يهودي زناکار را رجم کرده‌اند. اين کار درکنار ديوار، در نزديکي باب مسجد انجام شد.( 3 )

ب) معماري خانه‌ها

با ساختن مسجد النبي (صلّي الله عليه وآله) شهر مدينه تحوّلي عظيم يافت. علاوه بر پيدايي يک کانون اجتماع و حضور گستردة عبادي براي مردم، هر يک از مهاجران از مردم مکه، در کنار مسجد خانه‌اي براي سکونت خود بنا کردند و پس از مدت کوتاهي،

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . پاپادولوپو، همان، 14

2 . محمد خالد، همان، 65

3 . سمهودي، 2/532

132

ده‌ها خانه در کنار و اطراف مسجدالنبي برپا شد.

خانة پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله)

از مهم‌ترين خانه‌هايي‌که بنا شد، خانه و حجره‌هاي پيامبرخدا (صلّي الله عليه وآله) بود. آن حضرت پس از سکونت در منزل ابو ايوب انصاري، که البته شش ماه طول کشيد، به احداث مسجد پرداختند و در کنار آن، خانه‌اي براي خود ساختند. خانة رهبر ديني، که با استقبال باشکوه مردم وارد اين سرزمين گرديده، بايد به‌گونه‌اي طراحي شود که بتواند بخش‌هايي از وظايف رهبري را، علاوه بر وظايف مربوط به زندگي مادّي، در آن انجام دهد تا هم براي جامعه و هم براي خانواده‌اش کاربرد داشته باشد. بر ما چندان روشن نيست که معماريِ اين خانه، متأثر از نوع معماري مردم مکه بوده يا نه.

در معماريِ مکه، آنچه بيش‌تر نمود مي‌يافت، استفاده از خِشت و گِل در سقف و استحکام بنا از نظر استفاده از سنگ و مصالحِ محکم بود که براساس وضعيت اقليميِ مکه به سبب باران‌هاي سيل‌آسا و گرماي طاقت فرسا بود، اما در مدينه، به دليل داشتن هواي نسبتاً مطبوع و بارش باران کم و به ويژه غني بودن اين سرزمين از نخل خرما و چوب، مصالح بيشتر خانه‌ها و معماري آن‌ها را چوب تشکيل مي‌داد که در سقف‌ها به‌کار مي‌رفت . ويژگي خاص اين بنا، سادگي بي‌نهايت آن بود؛ همانند مسجدي که آن را ساخته بود. او به دنبال ساخت دارالخلافه و يا قصر نبود، بلکه سرپناهي براي آسايش و آرامش خود و همسرانش مي‌خواست. او ابتدا يک اتاق از خشت براي همسرخود سوده ساخت که دوتنة نخل خرما سقف آن را تشکيل مي‌داد و سال بعد اتاق ديگري براي عايشه و سپس براي حفصه و آنگاه دو اتاق ديگر براي دو همسر ديگرش ساخت، در نهايت سادگي و بي‌پيرايگي.

براساس گفتة هيلن براند؛ «وجه شاخص ديگر اين خانه، ابعاد قابل‌توجه آن‌است. خانه در واقع ميدان مربع بازي را تشکيل مي‌داد که هريک از اضلاع آن 56 متر بود و اتاق‌ها پهلو به پهلوي يکديگر در ضلع شرقي مسجد ساخته شدند و ويژگي ديگرش آن‌که اين بنا صرفاً کارکردي مسکوني يافت .حجره‌ها در داخل محصوره بودند، نه در خارج از آن، و بدين ترتيب

133

کنه متناقض اين بنا نمايان مي‌شد؛ بنايي‌که ظاهراً به عنوان يک خانة مسکوني ساخته شد. و آن با توجه کامل به ديگر کارکردها طراحي گرديد. به بيان ديگر، نيّت آن بوده که بيت محمد به عنوان کانون جامعة جديد اسلامي عمل کند.»( 1 )

اگر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) مي‌خواست زندگي ساده و بي پيراية خويش را به عنوان يک شهروند، در خلوتي بي سر و صدا داشته باشد، بعيد بود آن را به شکلي که گفته شد مي‌ساخت. البته مأموريت او اسلوبي از زندگي با طبيعتي عمومي را ايجاب مي‌کرد و خانة او نيز به همان نسبت خانه‌اي عمومي بود.( 2 )

اين اتاق‌ها مانند ديوارهاي مسجد، سبک بوده‌اند . ابن سعد گفتة يک شاهد عيني را نقل مي‌کند که ناظر تخريب اتاق‌هاي همسران پيامبر (صلّي الله عليه وآله) بوده و مي‌گويد:

«من اتاق‌هاي همسران پيامبر را که از شاخ و برگ درخت خرما ساخته و جلو درهاي آن‌ها پرده‌هايي بافته شده از موي سياه بزآويخته شده بود، ديده‌ام.»( 3 )

پيامبر (صلّي الله عليه وآله) اتاقي عمومي براي پذيرايي منظور نکرده بود و احتمالاً اين کار را در حياط، که همان مسجد بوده، انجام مي‌داد؛ زيرا در مجاورت درِ خانة آن حضرت به سوي مسجد (البته از خانة عايشه که باب النبي خوانده مي‌شد)، ستوني به نام سرير وجود دارد که آن حضرت تختي بر کنار آن زده و روي آن مي‌نشستند و نيز ستوني ديگر که نام وفود بر خود گرفته بود. وفود يا دسته‌ها براي ديدار پيامبر (صلّي الله عليه وآله) در کنار آن مي نشستند و با ايشان پيمان مي‌بستند . اين نشان مي‌دهد که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) ديدارها و بخشي از امور مربوط به رهبري و دعوت را در خارج از منزل و در مسجد به انجام مي رسانده است.

به‌گفتة پاپادوپولو، اين قسمت، به مثابة تالار بار رسمي طبعاً جزئي از منزل بود (همانجا) . ساختمان و بناي خانة پيامبر (صلّي الله عليه وآله) بسيار سبک بود؛ مانند الگويي از زندگي بدوي و چادرنشيني عرب صحراگرد و ترکيبي از درخت خرما. جريان هوا وآفتاب، سايه‌گاه‌ها نگران کننده مي‌نمود، اما نمونة خوب و گويايي بود از معماري مجرد و غير عادي باديه نشينان و توحيد، بدون امتيازي که با توجه به عدم شناخت قبايل عرب از هرگونه هنر تزييني و نقاشي، منزل را کاملاً برهنه و بي‌زيور نشان مي داد.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان، 39-40

2 . همان، 42

3 . پاپادوپولو، معماري اسلامي، ج 1، 11

134

براين اساس، ديدگاه‌هاي زيبا شناختي هرگز در انديشة پيامبر (صلّي الله عليه وآله) و مسلمانان آن عصر نبوده، بلکه رفع نيازهاي کيش و آيين جديد و ادارة جامعة نوين به‌وسيلة امکانات معمولي محيط که از لحاظ فني در دسترس‌بود، مدّ نظر قرار مي‌گرفت.( 1 )

نکتة قابل ذکر ديگر در شکل معماري و هندسي منزل پيامبر (صلّي الله عليه وآله) مربع بودن آن در ابتداي احداث است . منزل عايشه و سوده، هر دو به صورت مربع، حدود 50 متر ساخته شد. مربع از شکل‌هاي هندسي است که نقشي بزرگ در معماري اسلامي داشته است. اين نقشه‌اي‌که پيامبر (صلّي الله عليه وآله) برگزيد، درست هندسي ودقيقاً مربع، که شکل بنيادي کعبه است.

به گفتة سمهودي، اتاق پيامبر (صلّي الله عليه وآله) که به آرامگاه ايشان تبديل شد، همچنان باز و آشکار بود تا اين‌که عمر بن عبدالعزيز، در زمان خلافت وليد، در هنگام بازسازي مسجد، حفاظي پنج ضلعي نامنظم برگرد آن احداث کرد و اين کار ناشي از هراسي بود که مبادا با پيروي از همان شکل مکعب کعبه، اين اتاق نيز به صورت قبله در آيد و به سوي آن نمازگزارده شود.( 2 )

نکتة ديگر که «پايا دو لو» به آن اشاره دارد، اين است که: هر چند اين ديوارها به ارتفاع 5/3 متر با خشت خام ساخته شده بود، ليکن مي‌توانست براي پيامبر و پيروانش در صورت حملة دشمن، که بارها رخ داد، به منزلة يک پناهگاه ويا احتمالاً يک دژ کوچک عمل کند و اين نکتة مفهوم مربع را ـ که يک شکل منطقي دفاعي و بسان اردوگاه‌هاي رومي و دژهاي متعدد بيزانس بود ـ آشکار مي سازد. ازاين‌رو، اين ديوارها نه فقط به حريم مکاني مقدس و نه تنها منزل پيشواي امت، که برپناهگاه و دژ اسلامي نيز دلالت داشت.( 3 ) اين نظرِ پاپادپولو، به هيچ‌رو نمي‌تواند درست باشد؛ زيرا بعيد است که چنين کارکردي مورد نظر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) بوده باشد. در هر حال، اين خانة کوچک، همانند مسجد با خشت و شاخه‌هاي درخت خرما بنا گرديد. سقفي کوتاه داشت که دست بدان مي رسيد و هم‌چنين داراي دو درِ يک لنگه، بدون قفل بود که يکي از غرب خانه به مسجد و ديگري از ضلع شمالي آن به بيرون گشوده مي‌شد.( 4 )

ابن سعد، توصيف مي‌کند که عبدالله بن يزيد پيش از تخريب خانه‌ها به دست

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان جا.

2 . وفاء الوفا 1/459.

3 . همان، 14

4 . اين کردي، 251

135

وليد، آن‌ها را ديده و چنين توصيف کرده است:

«چهار خانه با ديوارهايي از گِل و کاه (خشت) که شاخة درخت خرما در آن به کار رفته بود، به اتاق‌هاي مجزّا تقسيم مي‌شد و پنج خانه‌اي که از شاخه‌هاي گل‌اندود نخل بنا شده بود، فاقد تقسيمات داخلي بود. بالاي درها پرده‌هايي از پارچه موئين سياه آويخته شده بود که هر ضلع آن سه ذرع طول داشت. ارتفاع سقف‌ها به اندازه‌اي بود که دست به آن‌ها مي‌رسيد.»( 1 )

و نيز از محمد بن هلال نقل شده است که خانه هاي همسران رسول الله (صلّي الله عليه وآله) را ديدم که از شاخه‌هاي نخل خرما، که سطحي از مو بر روي آن پوشيده شده بود، در جنوب ساخته شد.( 2 ) هم‌چنين گفته شده است که ديوارهاي خانة پيامبر (صلّي الله عليه وآله) را با خشتي‌که قابل احتراق نبود و شاخة خرما که کنار هم در مساحت و ارتفاع گذاشته شده بود، ساخته بودند. هريک از حجره‌ها دري کوچک به سوي مسجد داشت و بر آن، پرده‌اي از مو آويزان شده بود. از داود بن قيس نقل شده است که گفت:

«حجره‌هاي پيامبر (صلّي الله عليه وآله) را ديدم که ديوارهاي آن از شاخه‌هاي نخل ساخته شده بود و بر سطح خارجي آن لايه‌اي ازمو پوشيده بود.»

عرض خانه از درِ اتاق تا درِ خانه، حدود هفت ذرع (5/3 متر) و طول آن حدود ده ذرع (5 متر) بود و نيز از حسن بصري نقل شده که داخل خانة رسول الله (صلّي الله عليه وآله) شدم، دستم به سقف مي رسيد. براي هر خانه اتاقي و هر اتاقي از چوب عرعر(سرو) پوشيده (تزيين) شده بود. ( 3 ) پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله) پس از وفات در همين مکان؛ يعني در جايي‌که با عايشه زندگي مي‌کرد در نيمه‌اي از منزل عايشه دفن شد. در زمان عمربن عبدالعزيز خانه‌هاي محل سکونت ساير همسران پيامبر (صلّي الله عليه وآله) خراب شد و قبرهاي سه‌گانه پديدار گشت. عمر خود شخصاً دست به کار مرمّت قبرها شد و وردان را مأمورکرد تا ديوارهاي خانه را تا پيِ در، بردارد و پي را نيز بکند.( 4 ) بسياري از صحابه از تخريب خانه‌ها ناراحت شدند و مي‌گفتند: اي کاش خانه ها به همان وضع باقي مي‌ماند تا مردم مي‌ديدند که پيامبرشان چه محلّ سکونت ساده‌اي داشته و چگونه به چند خشت گِل قناعت و اکتفا کرده است! کسي که کليدهاي خزائن دنيا به دست اوست.v ترتيب خانه ها اين‌گونه بود: حجرة حفصه، اولين اتاقي که درِ

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ابن سعد، الطبقات الکبري، 3/4-190

2 . سمهودي، همان 2/459

3 . سمهودي، 278

4 . امين کردي، ص252

5 . سمهودي، همان، ج1، ص460؛ ابن سعد، ج1، ص499

136

کوچکي از آن به سوي خانة عمر گشوده مي‌شد. در سمت جنوب و سپس کنار آن (در غرب) حجرة عايشه بودکه قبر پيامبر خدا (صلّي الله عليه وآله) در داخل آن قرار گرفت و پس از آن، حجرة فاطمه (عليها السلام) نزديک باب جبرئيل و پس از آن حجرة امّ سلمه و آخرين حجره نيز در سمت شمال، اتاق جويريه بود.( 1 ) خانة حفصه چسبيده به خانة عايشه بود از طرف قبله و بين دو خانه، راه باريک و تنگي به اندازة عبور يک نفر وجود داشت که از پهلو حرکت کند. آن دو، با يک‌ديگر از داخل اتاق‌ها صحبت مي‌کردند. ( 2 )

اما سادگي ديوارهاي حجره‌ها آن‌گونه بود که رسول الله (صلّي الله عليه وآله) نمي پسنديد در آن مالِ زيادي صرف شود. امّ سلمه در حجرة خود به جاي جريد (شاخه نخل) از آجر وخشت نسوز استفاده‌کرد. پيامبر (صلّي الله عليه وآله) وقتي آن را ديدند، پرسيدند: اين چيست؟ گفت: مي‌خواهم چشم مردم را از ديدن خود (خانه‌ام ) بازدارم . پيامبر (صلّي الله عليه وآله) فرمود: اي امّ سلمه، بدترين راهي‌که انسان به سوي آن مي‌رود، خرج کردن مال مرد مسلمان براي ساختمان و بنا است.( 3 )

ج) خانه‌هاي صحابه

به هنگام مهاجرت پيامبر (صلّي الله عليه وآله) و صحابه ايشان از مکه، شهر مدينه دچار تحوّلي چشمگير در معماري و شهر سازي شد. مدينه به شهري اسلامي تبديل گشت که مرکزيت آن را مسجد شکل مي داد و به عبارتي مسجد چون نگيني در داخل انگشتري قرار يافت و صحابه معاجر پيرامون مسجد به صورت حلقه وار، خانه هاي خود را بنا کردند و سجد النبي را چون نگيني در بر گرفتند. رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) براي برخي از آنها به تقسيم و توزيع زمين پرداخت. ايشان با دست مبارک خود براي آنان خطي روي زمين کشيده و حدود آن را تعيين مي کردند.( 4 ) برخي از آنان در خانه هاي انصار ساکن شدند و بسياري خود به ساخت خانه پرداختند. از آنجا که سرزمين مکه و مدينه به لحاظ موقعيت جغرافيايي و توپوگرافي متفاوت بودند نوع معماري اين دو منطقه نيز متفاوت بود. براين اساس مردم مکه از معماري مدينه در خانه سازي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ابن نجار، اخبار مدينة الرسول، ص 73

2 . سمهودي، ج2، ص543

3 . محمد الياس عبدالغي، بيوت الصحابه، ص28

4 . سمهودي، وفاء الوفا، ج 2، ص 508

137

خود تأثير پذيرفتند بدان نحو که چون در مدينه نخلستانها فراوان و تنه هاي نخل و شاخه هاي خرما به عنوان مصالح ساختماني استفاده مي شد آ نان نيز که د رمکه عادت کرده بودند خانه هايشان به و يژه سقف ها را از سنگ بنا کنند و ستونهاي محکم از سنگ و به صورت مربع يا مدور استوار سازند، در مدينه تحت تأثير معماري شهر و شرايط جديد، استفاده از چوب ونخل و تنه درخت براي زدن سقفها بهره بردند و براي ديوارها نيز از خشت و آجر نسوز (لِبن) و سنگ بهره بردند و چوبهايي که بر فراز آن تزيين شده بود بر بالاي درب ها مي گذاشتند . اين موضوع از گفته عباس عموي پيامبر (صلّي الله عليه وآله) روشن مي گردد که وقتي رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) براي وي خطي جهت ساختن خانه اش بر روي زمين کشيدند و وي از بناي آن فارغ شد با صداي بلند گفت: «بنيتها باللِبن و الحجارة.... والخشبات فوقها مطارة .... يا ربنا بارک لاهل داره ....» و رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) نيز فرمود: «اللهم بارک في هذه الدارة» «من اين خانه را با (لِبن) خشت و آجر نسوز و سنگ بنا کردم و چوبهايي که بر بالاي آن بر آمدگي هايي ايجاد کردم بر فراز آن گذاشتم، خداوندا! اين خانه را براي ساکنانش مبارک بگردان و رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) نيز دعا فرمودند: خداوند براي ساکنان آن برکت قرار ده} رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) هم چنين ناوداني براي سقف اين خانه قرار داد و اين کار را با گذاشتن پاهاي مبارک بر روي شانه هاي عباس انجام دادند( 1 ) که اين تقريباً ارتفاع ديوارها و سقف را نشان مي دهد.

آنها خانه هاي خود را در کنار مسجد النبي، که مکاني مقدس براي عبادت بود بنا کردند وهر يک دو درب براي خانه هايشان قرار دادند، يکي دري که مستقيماً به مسجد باز مي شد تا انها را با اين مکان مقدس مرتبط سازد و درب ديگري که به کوچه و بيرون باز مي شد و محل تردد آنان به خارج از خانه بود.پس از توسعه خيبر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) امر فرمود که همه درهايي که به مسجد باز مي شد جز درب خانه علي (عليه السلام) بسته شود « امر بسد الابواب الا باب علي » و اين کار به فرمان خداوند انجام شده بود.

در اين نوع معماري به گفته اگوست شوازي «پايه عربي » يک تنه درخت نخل است که بين دو تخته متصل گرديده است. اعراب تخته هاي بريده شده به انضمام

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . سمهودي، ج2 ، ص492

138

چند اتصال از طريق گچ، سقفهايي با کيفيت استثنايي بوجود مي آوردند، چوب در آب و هواي گرم نقش مهمي بازي مي کند به کمک قطعات کوچک چوب متصل به هم که در وسط با هم تلاقي ميکنند و نوعي شبکه را تشکيل مي دهند انجام مي گيرد. چون نقوش و نمايش تصاوير حيوانات زنده از طرف قرآن ممنوع گرديد .، از اين رو تمامي دکوراسيون افسانه اي از هنر حذف شده است. طبق يک عادت نژادي، اعراب ساکن، در دکوراسيون معماري خود از دکورهاي پرده اي استفاده کرده باشند يعني دکورهايي که در دوران زندگي باديه نشين ها تنها تزيينات امکان پذير منازل آنها بود.( 1 )

آويختن پرده هايي از پوست مو و بز بر روي درب خانه ها و يا اتاق‌ها معمولاً رسم بود. گاهي نيز پرده اي بافته شده از پارچه نيز بر درب اتاقها آويزان و نوعي تزيين محسوب مي گرديد. نمونه اي در دست داريم که حضرت فاطمه (سلام الله عليها) بر روي درب اتاقشان پرده اي زيبا آويختند و فرشي در کف گسترانيدند و چون رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) وارد منزل وي شدند و اين زينت را نپسنديدند، فاطمه (سلام الله عليها) آن را به سرعت برداشتند، آن ها را به پيامبر (صلّي الله عليه وآله) رسانيدند و گفتند تا بين مستمندان تقسيم کنند.( 2 )

در اين معماري تا آن جا که ممکن بود از پشت دري، مشبک ها و پرده هاي تسبيحي براي تخفيف تابش خيره کننده نور آفتاب به هنگام نفوذ به داخل ساختمان استفاده مي شد. پاهاي برهنه در تماس با حصير پوش آرام مي گرفت . فقدان اثاثيه در درون فضاها به جريان آزاد هوا کمک مي کرد. پنجره ها معدود بودند .ترکيب تمام ابن عناصر جوي کم نور و مذهبي را به وجود مي آورد که روح و جسم را آرامش مي داد.( 3 )

گسترش فضا در سطح وارتفاع

اما مواردي البته به ندرت هم در دست داريم که برخي خانه ها در دو طبقه ساخته مي شدند مثل خانه ابو ايوب انصاري که وقتي رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) به مدينه آمدند براي سکونت در يکي از منازل به خانه او رفتند و در طبقه پايين ساکن شدند و ابوايوب در طبقه بالا، که البته ابو ايوب بعد از چندي از اين امر نگران شد که مبادا

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . تاريخ معماري، ص 168

2 . سمهودي، همان، ج1، ص468

3 . بورکهارت، هنر اسلامي، زبان و بيان، ص24

139

بي حرمتي به پيامبر (صلّي الله عليه وآله) کرده باشد، چون بر بالاي سر آن حضرت زندگي مي کند لذا به طبقه پايين آمد و رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) به طبقه بالا رفتند.( 1 )

اطم (قلعه کوچک)

برخي از خانه ها نيز حالت قلعه و حصن داشته است وبه صورت بسيارمستحکمي از سنگهاي کوهي بنا مي شده است که به آنها اُطم مي گفتند. اين شيوه معماري مخصوص يهوديان مدينه بود که آنها از هنگام سکونت در مدينه 40 اَطم ساختند .قلعه هاي يهوديان بني نظير و بني قريظه در مدينه معروفند. وقتي رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) به مدينه آمدند و به اخراج يهوديان پرداختند صحابه مي خواستند اطم هاي آنان را اخراب کنند و پيامبر (صلّي الله عليه وآله) مانع شدند. اين نوع معماري مورد تقليد اعراب مدينه هم قرار گرفت لذا چند نمونه ازآن ساخته شد، يکي خانه حسن بن زيد بود( 2 ) و ديگري اطم حسان بن ثابت بود که بسيار مستحکم و مرتفع بود. حسان بن ثابت از شعراي عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) بود که در آن جا مي زيست. اين اطم در سمت غرب مسجد قرار داشت. ديوارهاي آن بسيار بلند و شکلي هندسي زيبا داشت.

اما کف برخي از خانه ها را نيز سنگفرش مي کردند مثل خانه ابراهيم بن هشام در کنار خانه حسن بن زيد در مجاورت مسجد النبي که سمهودي ذکر مي کند با بلاط (سنگ مفروش در کف) تزيين شده بود. او محدوده سنگفرش خانه وي را در جهات مختلف مشخص مي کند.( 3 )

زقاق (کوچه )

اما برخي از گفته ها حکايت از آن دارد که اين خانه ها که البته نزديک يکديگر ساخته مي شدند به وسيله کوچه هايي با پهناي 5/2 متر به هم مرتبط و راه عبور و مرور مردم را تأمين مي‌کرد . هر يک از اين کوچه ها نامگذاري مي شد مثل زقاق القشاشين که پهناي آن سه متر بود و يکي ديگر از اين کوچه ها معروف به

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . مسلم، کتاب الاشربه، 36؛ حديث 2503

2 . ابن شبه، تاريخ المدينه المنوره، ج1، ص260

3 . سمهودي، وفاءالوفا، ج2، ص737

140

زقاق المناصع است. بر اساس گفته ياقوت حموي کوچه اي بوده که از خانه پيامبر (صلّي الله عليه وآله) به خارج مناطق مسکوني مدينه در شرق و کنار چاه ابو ايوب راه داشته است و شبها زنان به آنجا رفته و قضاي حاجت مي کردند. چيزي شبيه توالتهاي عمومي . از عايشه نيز روايتي در دست است که زنان پيامبر (صلّي الله عليه وآله) هم براي اين کار شبها به سوي آنجا مي رفتند که بسيار وسيع و پهن بوده و پيرامون آن نيز ديواري کشيده شده بود. اين کار به رسم عصر جاهليت صورت مي گرفت( 1 ). تا اين که بعدها ديوار آن خراب شده و زنان در داخل خانه خود ديوار و حائطي براي اين کار درست کردند.( 2 )

رباط (ميهمانسرا)

برخي از متمولان و کساني که از وضعيت مالي خوبي برخوردار بودند براي خود دوخانه بنا مي کردند يکي خانه اي بزرگ که براي ديدار و پذيرايي از ميهمانان و خانه اي که محل سکونت آنان بود از جمله عثمان به عفان، که در جهت شرقي مسجد مقابل باب جبرئيل دو خانه متصل بهم داشت يکي معروف به دارالکبري و ديگري دارالصغراي( 3 ). روايتي ديگر حاکي از آن است که دارالکبري ابتدا خانه کوچکي بود که رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) به عثمان به اقطاع اگذار کرده بودو او خانه هايي در کنار آن را خريد و به توسعه خانه اش پرداخت وا ز سمت جنوب آن را توسعه داد( 4 ) يکي از کاربردهاي خانه ها، ميهمانسرا و محلي براي ضيافت مسلمانان بود علاوه بر دار عثمان، خانه عبدالرحمان بن عوف نيز به همين منظور ساخته شد اين خانه به دارالضيفان معروف شد که به منزله ميهمانسراي امروزي است و نام ديگرش دارالکبري، چون بسيار بزرگ بود .اين اولين خانه اي با اين بزرگي و وسعت بود که توسط يکي از مهاجران براي پذيرايي از ميهمانان رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) ساخته شدv. اين مکان را نيز رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) براي او ترسيم و خط بناي آن را کشيده بود. آن حضرت براي بني زهره در سمت پاياني مسجد خط خانه هايشان را در روي زمين کشيده و مشخص کرد و سهم عبدالرحمن زميني پر از گياه شد که او آنها را قطع وخانه ياد

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . معجم البلدان، ج5 ، ص202

2 . سمهودي، وفاء الوفا، ج2 ، ص607

3 . سمهودي، ج 2، ص732

4 . همان ج2، ص690

5 . ابن شبه، همان، ج1، ص235

141

شده که به عبارتي مي توان ان را قلعه يا اطم نيز ناميد بنا کرد( 1 ).

اما براي توسعه خانه ها نيز علاوه بر گسترش در طول وعرض در ارتفاع هم نمونه هايي روشن درد ست است از جمله خانه خالدبن وليد چون بين خانه جبلة بن عمرو و عمروبن عاص قرار داشت و خانه او کوچک و تنگ بود به رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) ازکوچکي آن شکايت کرد و آن حضرت به او فرمود: «ارفع في السماء و سل الله السعه ».[ آن را به سوي آسمان بالا ببر که خداوند آن را براي تو برکشد و گسترش دهد]( 2 ) که البته به نظر مي رسد بيشتر از دو طبقه ساخته نمي شده است. و ما نمونه اي ازخانه هاي سه طبقه نداريم . اما برخي از خانه ها نيز بسيار باشکوه و عالي ساخته مي شده است و غير از خانه عثمان، ابو سفيان خانه اي عالي داشته که با شکوه ترين خانه در مدينه از لحاظ بنا و مرتفع ترين آنها بوده ا ست شايد بتوان گفت چون عنوان مرتفع تر آمده شايد خانه اش يا سه طبقه بوده و يا ديوارهاي آن خيلي بلند بوده است « کانت اشرف دار بالمدينة بناء و اذهبها في السماء».( 3 )

جنابذ (گنبد)

چنانکه روشن است طراحي گنبد در معماري اسلامي الهام يافته از خيمه عربي و بدوي (صحراگرد)است که به صورت مدور از پوست بافته مي شد. در معماري عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) يک نمونه از گنبد يا به عبارتي قُبه که کوچکتر از گنبد است در دست داريم که نشان مي دهد اين نوع اثر هنري درعصر رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) البته به طور بسيار نادر وجود داشته است. اعراب آن را جُنبذ مي نامند و اين همان دليلي است که مي توان به صراحت اقتباس "گنبد " که همان جنبذ به عربي است در معماري ايراني را از اعراب صحراگرد دانست.

در توصيف قبه هاي بهشت اشاره شده است« فيها جنابذ من لؤلؤ» [ در بهشت گنبدهايي از مرواريد ساخته شده است].( 4 )

در متون آن عصر هم چنين از قرائن که همان قرينه باشد ياد شده و قرينه به معناي جنبذ يا گنبد استv.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . ياقوت حموي، ج5 ، ص86

2 . ان شبه، همان ج1، ص244

3 . ان شبه، همان ج1، ص256

4 . محمد الياس عبدالغني، همان، ص110

5 . قاموس المحيط ج1، ص364

142

ابن شبه گويد : عبدالرحمن بن عوف پيرامون مسجد خانه اي ساخت که بر فراز آن سه قبه قرار داشت( 1 ) و نيز خانه مليکه دختر خارجة بن سنان هم داراي قبه اي بوده است که در توسعه عمر بن عبدالعزيز اين خانه ها و قبه ها تخريب و در توسعه مسجد وارد شد.( 2 ) عنوان قرائن در شعري از ابي قطيفه در آن عصر نيز آمده است.( 3 )

حش (بوستان)

در شهر سازي عصر پيامبر (صلّي الله عليه وآله) «حش» به معناي باغي مصفا براي نشستن و تفريح مردم (پارک عمومي ) يا باغ و نيز چاه جايگاه ويژه اي داشته است هفت چاه در اطرف مسجد النبي و در داخل مدينه در عصر پيامبر حفر شد مثل بئر حاء، بئر رومه، بئر بضاعه و بئر اريس که از طريق اين چاهها زمين هاي پيرامون را آبياري و نخلستانها را آباد و يا از آب آن براي آشاميدن بهره مي بردند .اين چاهها از جهت ديگري نيز تقدس داشت و آن وضو گرفتن رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) وخوردن آب آن توسط ايشان بود که براي صحابه تبرک و تقدس ويژه اي داشت .برخي از اين چاهها تا 50 سال قبل نيز وجود داشتند . براي نمونه از اين چاهها و باغها مي توان به بئر حاء اشاره کرد که در جهت شمال مسجد النبي قرار داشت ومتعلق به ابي طلحه انصاري بود و او در آنجا باغي مصفا داشت که از آن چاه براي آبياري بهره مي برد .اين مکان به «حش ابي طلحه انصاري » معروف بود. وقتي آيه «لن تنالوا البر حتي تنفقو ا مما تحبون» نازل شد ابوطلحه انصاري اين چاه را صدقه قرار داد تا مردم از آن بهره برند.( 4 )

سقيفه

اما علاوه بر خانه ها مکانهايي عمومي نيزبه صورت مسقف ساخته مي شد تا رؤساي قبايل گردهم آيند و پيرامون مسائل جاري و روزانه قبيله به مشورت بنشينند. اين مکانها به عبارتي دارالشورا و مجلس مشورتي بود. در عصر جاهليت در مکه دارالندوه و در عصر مقارن ورود پيامبر (صلّي الله عليه وآله) به مدينه سقيفه بني ساعده از اين نمونه ها

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان ج1، ص232

2 . ابن نجار، اخبار مدينة الرسول ص99

3 . محمد الياس عبدالغني، همان، ص111

4 . همان، ص114

143

است .هر قبيله اي براي خود سقيفه اي در مدينه داشت که چون مسقف بود آنها را سقيفه مي ناميدند .اما يکي ازآنها در تاريخ بسيار معروف شد و آن سقيفه بني ساعده متعلق به قوم خزرج بود که در آن سرنوشت خلافت بعد از رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) تعيين شد و انتخاب ابوبکر در آنجا رقم خورد.اين مکان به عبارتي سايه باني بود که نزديک بئر بضاعه قرار داشته است.

نوع معماري آنها چنين بوده است معمولاً سقيفه هاي معروف درباغهاي مدينه ساخته مي شد، ديواري از غرب و سپس ديواري از شرق و نيز ديواري در جنوب که از خشت و اجر نسوز پيرامون آن را احاطه مي کرد و در ديوار شرقي معبر و به عبارتي دربي براي آن قرار داده مي شد و به وسيله چوبهاي درخت خرما، شاخه هاي آن ونيز حصير مسقف مي گرديد و جهت شرقي آن باز مي ماند بدون ديوار زيرا در تابستان به خنکي داخل سقيفه کمک مي کرد. برخي از آنها بزرگ بود و برخي کوچک که اين به تمکن مالي بنا کننده آن بستگي داشت. معمولاَ سقيفه ها به همين صورت و شکل ساخته مي‌شد.( 1 )

موقعيت سقيفه بني ساعده در سمت شمالي مسجد النبي به فاصله 500 متري آن قرار داشت. اين سقيفه حدود سال 1360 شمسي که ديوارهاي خشتي آن همچنان موجود بود تخريب و اکنون شهرداري مدينه به جاي ان ساخته شده است.

نتيجه

معماري عصر رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) همانند ساير اعصار با دوران گذشته خود مرتبط و ازان الهام يافته است. اين معماري بيش از هر چيز متأثر از شرايط اقليمي و جغرافيايي بود. و آب و هواي عربستان در آن تأثير زيادي داشته است. استفاده از چوب در سقفها به سبب خشکي آب و هوا و گرمي آن و استفاده از شاخه هاي نخل خرما و يا باز گذاشتن جهتي از بنا بدون ديوار براي به جريان در آوردن باد و ايجاد فضايي خنک و مطبوع درروزهاي گرم و نيز استفاده از سقفهاي کوتاه براي گرم ساختن مکان سکونت در شبهاي سرد زمستاني و خشک، استفاده از خشت هاي

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . محمد الياس عبدالغني، همان ص115

144

خام لِبن (آجر نسوز) و استفاده از سنگ در ديوارها همگي متأثر از شرايط جغرافيايي خاص شبه جزيره است.

ورود پيامبر (صلّي الله عليه وآله) به يثرب و پايه گذاري شهري مدني به عنوان مدينة النبي بر اساس معماري جديد و نوين که دستمايه هاي مذهبي در آن بيشتر نماد داشت در مرکزيتي مذهبي و مقدس مثل مسجدا لنبي تبلور يافت. اين مسجد درمرکز شهر به عنوان مکان عبادت ونيز تالارعام و اجتماعات که البته چند منظوره ساخته شده بود چون نگيني در وسط شهر قرار گرفت و درکنار آن يعني پيرامون محيط خارجي آن صحابه مهاجر خانه هاي متعددي بنا و در حقيقت شهري اسلامي را پايه گذاري کردند که تا عصر حاضر شهرهاي اسلامي الگويي روشن از آن عصر را در خود دارد، زيرا مسجد در مرکز اصلي شهر واقع ودر پيرامون آن خانه ها و نيز بازار به عنوان دو رکن معنوي و مادي شهر اسلامي را شکل مي دهند. نکته قابل ذکر ديگر تحول درمعماري اين خانه ها در مدينه پس از ورود رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) توسط مهاجران است . زيرا مهاجران و مردم مکه معماري متفاوتي از مردم مدينه داشتند، آنان خانه هاي خود را از سنگ هاي تراشيده شده و محکم مي ساختند، چون مکه سرزميني کوهستاني بود و سنگ به وفور در آنجا وجود داشت ؛برعکس مدينه که شهري مسطح و با نخلستانهاي انبوه و آب و هواي مطبوع و خنک بود لذا وقتي مهاجران مکه به مدينه آمدند در بناي خانه هايشان از تنه هاي نخل و شاخه هاي خرما براي سقف استفاده کردند. کاري که در مکه رايج نبود. رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) بعنوان معمار و طراح مسجد النبي و خانه هاي صحابه، علاوه بر آنکه در ساختن مسجد شخصاً سهيم بود ونوع معماري و طراحي آن را مشخص مي کرد ند به تقسيم زمين ها و توزيع فضاا براي احداث بنا و خانه ها با کشيدن خط هايي مي پرداختند و حتي به توسعه آنها در عرض و طول و نيز ارتفاع فرمان مي دادند . نمونه هايي از احداث خانه هاي دو طبقه درمدينه نيز حکايت از توسعه در ارتفاع دارد.با اين وجود سادگي معماري و دوري از پيچيدگي هاي خاص و تزيين و زيبايي سازي از ويژگي هايي منحصر به فرد معماري در عصر رسول خدا (صلّي الله عليه وآله) است.